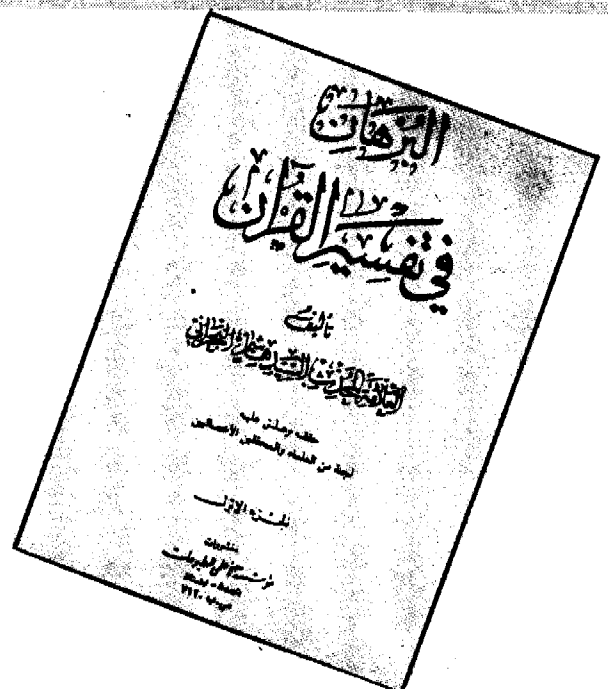


## بازی با میراث در يك سرقت تحقيقي

عبدالله ابراهيمي



البرهان في تفسير القرآن. تأليف: العلامة المحدث المفسر السيد هاشم البحراني الحسيني البحراني (المتوفى ١١٠٧هـ)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية، مؤسسة البعثة، قم، ٥٥ ج، رحلي.



البرهان في تفسير القرآن. تأليف، العلامة المحدث السيد هاشم البحراني، حققه وعلق عليه لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٠ ج، وزيرى.

حادثه‌ها، هجوم‌ها، و یا بی توجهی‌های میراث‌داران، از میان رفت و تباه شد و آثار بسیاری نیز ناشناخته و به دور از دسترس عالمان در کتابخانه‌های بزرگ فهرست نشده و یا در مجموعه‌های خصوصی و خانوادگی در زاویه‌انزوا مانده و خاک می‌خورند. آثار بسیار مهم و ارزشمندی نیز در ابعاد مختلف

یکم. عالمان، مفسران، فقیهان، متکلمان، محدثان و متفکران از آغازین سده تاریخ اسلام در جهت تبیین حقایق اسلامی، تفسیر آموزه‌های قرآنی و تدوین اندیشه اسلامی بسی کوشیدند و بارقم زدن آثاری بسیار، فرهنگ مکتوب اسلام را شکوه بخشیدند. بسیاری از این آثار در گذرگاه زمان، در

دزدی! آن هم در فرهنگ و ثقافت؛ آیا این جز خیره سری است و جلالت! اما اگر این حرکت تأسف بار و زشت در متنی مقدس و تفسیر قرآن انجام شود - راستی را - تحمل کردنی نیست. آنچه این قلم را واداشته است تا این سطور را قلمی کند، اتفاقی است زشت در این زمینه و حرکتی بس ناهنجار در این مقوله.

گفتم بخش تحقیقات بنیاد بعثت، تفسیر جلیل «البرهان» را با دقت و حوصله و از پس سال‌ها تلاش با تحقیقی استوار نشر داده‌اند. آنان در این تحقیق - که شایسته معرفی تفصیلی است - از جمله کارهای ذیل را انجام داده‌اند.

۱. مؤلف جلیل در آغاز کتاب گفته‌اند که از برخی کتاب‌ها نسخه‌های متعددی در اختیار داشته‌است و با مقابله نسخه‌ها متن مصححی را سامان داده و از آن نقل کرده‌است. این سخن نشان می‌دهد که برخی از نسخه‌های وی مغلوط و دچار تصحیف و تحریف بوده‌است. از این روی آن بزرگوار پس از تبّه بدین نکته از مراجعه کنندگان به کتاب خواسته‌است اگر به نسخه‌ای استوارتر برخورد کردند، لغزش‌ها و ناستواری‌های نقل‌های وی را بسترند.

از این روی محققان به هنگام تحقیق و تصحیح به مقابله نسخه‌ها بسنده نکرده‌اند و فرایند سنجش نسخه‌ها را با مصادر احادیث نیز سنجیده و اختلاف نسخه‌ها با مصادر نقل را در پانوشت‌ها آورده‌اند، و اگر متن «برهان» را ناستوار یافته و سقط در آن یافته‌اند، افتادگی‌ها را با توجه به مصادر ترمیم کرده افزودنی‌ها را در میان هلال نهاده‌اند، و ناستواری‌ها را به پانوشت برده و آنچه را با توجه به منابع اصلی استوار یافته‌اند، در متن آورده‌اند.

۲. مقابله و سنجش نسخه‌ها و ثبت اختلاف‌ها

۳. تخریج احادیث، و نصوص از منابع معتمد مؤلف و سنجش با مصادر و ثبت و ضبط اختلاف‌ها.

محققان یادآوری کرده‌اند که گاه مؤلف احادیث را با واسطه گزارش کرده‌است. در مواردی از این دست، احادیث را به کتاب واسطه و نیز مصادر اصلی ارجاع داده‌اند؛ جز مواردی که منبع اصلی مفقود بوده‌است.

۴. تصحیح آسانید روایات و اسمای روات و اعلام با تکیه بر مصادر معتبر در این موضوع.

روشن است که این، کاری است کارستان و بس دشوار؛ به ویژه اینکه بسیاری از مصادر مؤلف بدون تحقیق باقی است. از

فرهنگ اسلامی شناخته شده و در قفسه‌های کتابخانه‌ها، همت والای محققان درد آشنا و فرهنگ دوست شایسته را به احیاء، تحقیق و پژوهش فرامی‌خوانند. همین جا یادآوری کنم که شماری شایان توجه از آنچه که در آغازین سال‌های حضور چاپ به چاپ سنگی نشر یافته‌است، نیازمند چاپ منقح است و متأسفانه برخی از آثاری که در این سال‌های اخیر به اصطلاح تحقیق، تصحیح و تعلیق شده‌است، شایسته عنوان تحقیق و تصحیح نیستند که بگذریم ...

در این میان همت والای محققان و مؤسسات پژوهشی، ستودنی است که در جهت احیای میراث کهن و آثار فاخر با کوششی درخور، کارهای عظیم را سامانی داده‌اند.

دوم. «البرهان فی تفسیر القرآن» نگاشته عالم جلیل، محدث نبیل و مفسر برجسته قرن دوازدهم هجری از تفاسیر ارجمند، مهم و سودمند شیعه است و در میان تفاسیر «مأثور» جایگاه بلندی دارد. اکنون در اندیشه نقد محتوایی این تفسیر نیستیم و از آنچه جریان «تفسیر مأثور» رنج می‌برد و مآلاً این تفسیر نیز، سخن نمی‌گوئیم؛ اما بر این نکته تأکید می‌ورزیم که «البرهان» به لحاظ جامعیت و اشتغال بر بخش اعظم روایات تفسیری، تفسیری است بس سودمند و کارآمد. تفسیر «البرهان ...» سال‌ها پیش با تصحیح آقای سید محمود موسوی زرنندی تصحیح و در چهار جلد به سال ۱۳۷۵ قمری نشر یافته بود. سپس به گونه افسست از سوی انتشارات اسماعیلیان منتشر شد و ما در این مقال بدان با عنوان «اسماعیلیان، یا چاپ «اسماعیلیان» اشاره می‌کنیم. مصحح محترم در فرجام جلد اول تصریح کرده‌اند که کتاب را بر اساس نسخه‌های خطی و مقابله و سنجش آن با نسخه چاپی تصحیح کرده‌است، اما به هیچ روی از تفصیل و چگونگی نسخه‌ها و نیز شیوه تصحیح و گزینش متن سخن نگفته‌است.

بخش تحقیقات «بنیاد بعثت» با همتی بلند و تلاشی درخور و با تکیه بر سه نسخه خطی و مقابله و سنجش فرایند مقابله نسخه‌ها با چاپ سنگی نشر یافته به سال ۱۳۰۲ و چاپ حروفی پیشگفته، تحقیق و در پنج مجلد منتشر کرده‌است.

سوم. سرقت آثار دیگران، پیشینه‌ای کهن دارد. کسانی بسیار در گذرگاه زمان حاصل رنج سالیان کسانی را بر می‌گرفتند و با اندکی دگرگونی آن را به نام خود نشر می‌دادند. اکنون نیز این ماجرا در عالم تحقیق، تألیف و ترجمه کم نمونه نیست، و شگفتا

و تقریباً پیشینه دار آن دیار است و آثار فراوانی را چاپ و نشر کرده است. متأسفانه افزون بر دیمی کاری در نشر، گاه نشر برخی از آثار دیگران را با مثله کردن و تباه ساختن و یا عیناً و بدون دَخَل و تصرف و فقط با نسبت تحقیق و تصحیح آن به دیگران نشر می دهد که نوعی سرقت، خیانت و ناهنجاری فرهنگی است. آنچه زمینه نگارش این صفحات را برای این قلم الزامی ساخت، چاپ مؤسسه اعلمی است از تفسیر «البرهان ...». این چاپ در هشت جلد به ضمیمه «مرآة الأنوار» به عنوان مقدمه تفسیر که پس از این درباره آن توضیح خواهیم داد، با هیئتی چشم نواز و حروف و تجلیدی زیبا نشر یافته است.

ظاهر چشم نواز آن جذاب و کشش آفرین است. این بنده چاپ بنیاد بعثت را دیده بودم، که با همه ارج و شایستگی در تحقیق و حروف خوب و چشم نواز، هیئتی ناهنجار دارد، با مجلّداتی قطور و صحافی و تجلیدی نه در خور این تفسیر ارجمند. چاپ «اعلمی» را با انبوه ارجاع ها و پانویس های فراوان توضیحی دیدم این چاپ با پیشینه آشناییم با آن مؤسسه با نوع کارهای آن ناسازگار می نمود؛ ولی به پندار اینکه کاری است استثنایی خریدم. اما در همان روزهای اوّل، متوجه شدم که این چاپ یکسر انتحال است و سرقت؛ سرقتی بس ناجوانمردانه. با بنیاد بعثت تماس گرفتم تأیید کردند با دلی آکنده از اندوه که ثمره بیش از هشت سال پژوهش آنان بدین آسانی به یغما رفته است. آنان در سنجش چاپ «اعلمی» با چاپ «مؤسسه» یاد داشت هایی داشتند که از سر لطف در اختیارم نهادند و این است نتیجه این سیر و سفر و گشت و گذار در این سرقت ناهنجار.

بر روی جلد چاپ «اعلمی» آمده است «حَقَّقَهُ و عَلَّقَ عَلَيْهِ لَجْنَةُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْمُحَقِّقِينَ الْأَخْصَائِينَ» و در ص ۴ آمده است «جميع الحقوق محفوظة و مسجّله للنّاشر»!! شگفت انگیز نیست؟! خواهیم دید که جز مواردی اندک و غیر قابل توجه، چاپ «اعلمی» عیناً چاپ «بنیاد» است؛ حتّی در متن و نشانه گذاری ها و امور سجاوندی و ...

اکنون به بررسی و مقابله این دو چاپ پردازیم.

۱. در چاپ «بنیاد» موارد اندکی از روایت ها از قلم افتاده است. این موارد در چاپ «اعلمی» نیز چنین است و روشن است که اگر موارد به سهو در چاپ اعلمی هم سقط می شد، نباید عیناً موارد چاپ «بنیاد» می بود و این نیست جز سرقت بدون

این روی در این مصادر نیز کوشیده اند به نسخه های اصل و استوار مراجعه کنند. به مثل برای تصحیح روات روایات «بصائر الدرجات» به نسخه چاپی آن اعتماد نکرده اند؛ بلکه به نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی - رضوان الله علیه - به شماره ۱۲۵۳ مراجعه کرده اند که دقیق تر از نسخه چاپی است.

۵. ضبط نام های راویان، اعلام و شهرها با اعراب با تکیه بر منابع معتبر در این زمینه؛ مانند ابضاح الأشتباه علامه حلی، الأنساب سمعانی و ...

۶. مؤلف بزرگوار افزون بر آنچه در ذیل آیات آورده، گاه به روایاتی که بر موضوع دلالت دارند و مؤلف آنها را در صفحات گذشته به مناسبت آورده و یا در صفحات آینده خواهد آورد، با عبارات های «تقدم» و «یأتی» اشاره کرده است. محققان این موارد را نیز به دقت شناسایی کرده و شناسانده اند.

۷. استدراك. محققان در پایان سوره ها با جستجو در منابع تفسیری مأثور، روایاتی را پیدا کرده و گزارش کرده اند که در تفسیر برهان نیامده است. این گونه روایات را در پایان و با عنوان «استدراك» آورده اند تا از متن جدا باشد و با آن در نیامیزد و هم محققان را سودمند افتد.

۸. استوارسازی متن. بر اساس آنچه تاکنون آمد و با توجه به آنچه گروه های یاد شده انجام داده اند گروهی از محققان کوشیده اند متنی به دور از تصحیف، تحریف و ناهنجاری ارائه دهند و افزون بر آنچه یاد شد، واژه های دشواریاب را نیز تفسیر و تبیین کنند.

این پژوهش ارجمند، از پس هشت سال تلاش مستمر گروهی از محققان که نام نیکشان در مقدمه کتاب آمده است (ص ۶۶) سامان یافته در پنج جلد رحلی منتشر شده است. شکرالله مساعیهم الجمیله.

چنانکه پیشتر آوردم، اکنون آهنگ ارزیابی این پژوهش را نداریم. از این روی از ارائه نمونه ها در مواردی که یاد شد تن می زنیم و نکات دیگری نیز هست که - اختصار را - از آوردن آنها نیز خودداری می کنیم.

به هر حال «واحد تحقیقات بنیاد بعثت» به نشر ۱۰ جلدی آن به قطع وزیری در بیروت نیز همت ورزیده است.

**«البرهان فی تفسیر القرآن» چاپ «مؤسسه اعلمی بیروت»**  
«مؤسسه الأعلمی للمطبوعات» در بیروت از مراکز نشر معروف

هیچ گونه مراجعه به نسخه ها و حتی چاپ های سنگی و حروفی «البرهان». نمونه را بنگرید:

در ص ۳۰۰ از چاپ اسماعیلیان حدیثی آمده است به شماره ۲۲ که بدین سان شروع می شود: عن ابن میثم بن یحیی عن جعفر بن محمد قال ما من مولود ...

این حدیث در «البرهان» از «تفسیر العیاشی» ج ۲/۲۱۸ نقل شده است، به شماره ۷۲ که از چاپ «بنیاد» «البرهان» افتاده است که باید درج ۳، ص ۲۷۰ و پس از حدیث ۲۳ قرار می گرفت. چنین است چاپ اعلمی که فاقد این روایت است و باید درج ۴، ص ۲۹۵ و بعد از حدیث ۲۳ قرار می گرفت!

در ذیل آیه ۶۹ سوره یوسف به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم روایتی آمده است که بدین سان آغاز می شود:

«ولمّا دَخَلُوا» من حیث امرهم ابوهم ... ج ۱/

این حدیث نیز از چاپ بنیاد افتاده است که باید درج ۳، ص ۱۸۱ بعد از حدیث ۲ می بود. حدیث در تمام نسخه های برهان موجود است و از جمله در چاپ اسماعیلیان ج ۲/۲۵۷؛ اما از چاپ «اعلمی» نیز افتاده است که باید درج ۴، ص ۱۹۶ بعد از حدیث ۲ می بود!!

۲. بر اساس آنچه پیشتر آوردیم محققان گاه در متن برهان با توجه به منابع و مصادر اصلی و یا سیر بحث و اقتضای مقام تصرفی کرده اند و آن را یاد کرده اند؛ به مثل در تفسیر سوره یوسف، ذیل آیات ۸۲-۵۸ در چاپ بنیاد حدیث ۳۱ از علی بن ابراهیم قمی بر حدیث ۳۲ از محمد بن یعقوب مقدم آورده شده است. این ترتیب در تمام نسخه های «البرهان» و از جمله چاپ اسماعیلیان ج ۲/۲۶۲، ج ۱۳ و ۱۴ به عکس است. اما چاپ مؤسسه اعلمی در ترتیب، مانند چاپ «بنیاد» است: ج ۴/۲۰۷ ج ۳۱ و ۳۲، و نه نسخه ها و چاپ اسماعیلیان.

در تفسیر «البرهان» جلد ۳/۲۲۰، ح ۲ ذیل آیه شش سوره قصص قرار گرفته است که به واقع تفسیر آیه ۴ از سوره قصص است و باید ذیل آن آیه می آمد. محققان «بنیاد» چنین کرده اند: ج ۴/۲۴۹، ح ۲. چنین است چاپ اعلمی: ج ۶/۵۳، ح ۲.

در نسخه های «البرهان» و چاپ حروفی آن، تفسیر آیه ۱۶ از سوره نمل بعد از آیه ۲۶ قرار گرفته است (چاپ اسماعیلیان ج ۳/۲۰۳). آیا مؤلف چنین سهوی کرده است؟ یا استنساخ کنندگان؟! به هر حال محققان تفسیر آیه را با سه روایت ذیل آن بر جای خود نهاده اند (ج ۴/۲۰۴) و بر این نمط رفته است چاپ

«اعلمی» ج ۶/۲۲ در ذیل آیات ۳۵-۲۷ از سوره حجر.

مؤلف از برخی مفسران نقل دراز دامنی را آورده است؛ مشتمل بر نقل ها و روایات دیگر، و مجموع آنها را ذیل دو روایت نقل کرده است. این نقل ها در چاپ اسماعیلیان صفحات ۳۲۹ یا ۳۴۱ را فرا گرفته است. محققان «بنیاد» با توجه به روایاتی که در ضمن این نقل طولانی آمده است، این گزارش های طولانی را به ده حدیث تقسیم کرده اند که در صفحات ۳۴۱-۳۶۱/ج ۳ آمده است. چنین است چاپ اعلمی (ج ۴ ص ۳۶۰-۳۸۶) با همان تقطیع و شماره گذاری و آغاز و پایان!!

۳. آنان که به تفسیر «البرهان» مراجعه کرده اند، می دانند که شیوه مؤلف چنین است که چند آیه را از سوره آورده، سپس احادیث مشتمل بر تفسیر آنها را گزارش می کند. مؤلف جلیل گاه از این شیوه غفلت کرده است و بدون اینکه آیات را یاد کند، احادیث را گزارش کرده است. در این گونه موارد محققان «بنیاد» برای یکسان سازی تفسیر آیاتی را آورده اند و ذیل آن روایات تفسیری را. روشن است که این گونه گزینش ذوقی است و نیز مستند بر توجه به هم سیاق بودن چند آیه و ... طرفه آنکه در تمام این موارد، چاپ «اعلمی» عین چاپ «بنیاد» است. گویا این بزرگواران در سرعت نیز از استعداد کافی برخوردار نبوده اند. نمونه را بنگرید:

چاپ اعلمی	بنیادبعثت	السورة
ج ۴: ص ۲۷	ج ۳: ص ۳۱	یونس / آیه ۳۹-۴۶
ج ۴: ص ۴۰	ج ۳: ص ۴۲	یونس / آیه ۶۵-۷۱
ج ۴: ص ۴۲	ج ۳: ص ۴۴	یونس / آیه ۸۴-۸۶
ج ۴: ص ۹۸	ج ۳: ص ۹۹	هود / آیه ۲۴-۳۱
ج ۴: ص ۱۵۴	ج ۳: ص ۱۴۵	هود / آیه ۱۱۸-۱۲۳
ج ۴: ص ۱۶۱	ج ۳: ص ۱۵۵	یوسف / آیه ۱-۳
ج ۴: ص ۱۶۱	ج ۳: ص ۱۵۵	یوسف / آیه ۴-۳۳
ج ۴: ص ۱۸۱	ج ۳: ص ۱۷۱	یوسف / آیه ۳۵-۵۶
ج ۴: ص ۱۹۳	ج ۳: ص ۱۸۰	یوسف / آیه ۵۸-۸۲
ج ۴: ص ۲۰۸	ج ۳: ص ۱۹۰	یوسف / آیه ۸۳-۱۰۱
ج ۴: ص ۲۳۳	ج ۳: ص ۲۱۱	یوسف / آیه ۱۰۲-۱۰۵
ج ۶: ص ۲۸	ج ۴: ص ۲۲۲	النمل / آیه ۴۵-۴۹
ج ۶: ص ۴۶	ج ۴: ص ۲۳۶	النمل / آیه ۹۱-۹۳

گذرا نشان می‌دهد که این تفسیرها، تبیین‌ها، شرح‌حال‌ها و ... نیز دزدی است و یکسر برگرفته از «چاپ بنیاد». گاه با اندک تغییر در حجم مطالب و گاه در توضیح واژه‌های تفسیر، کم کردن منابع و مصادر اگر متعدد باشد، مانند کتاب‌های لغت، اما توضیحاتی را که محققان بنیاد آورده‌اند؛ به ویژه اگر از مصادری نقل شده است، مانند بحار الأنوار و ... بدون هیچ تغییری و کمی و بیشی از چاپ بنیاد است. ضیق مجال را بنگرید به صفحات ذیل فقط از جلد اول و بسنجید با چاپ اعلمی:

چاپ اعلمی	چاپ بنیاد بعثت:
ج ۱، ص ۵۵، هامش ۱	ج ۱، ص ۵۰
ج ۱، ص ۷۸، هامش ۱	ج ۱، ص ۷۳
ج ۱، ص ۱۲۴، هامش ۲	ج ۱، ص ۱۲۳
ج ۱، ص ۱۵۷، هامش ۴	ج ۱، ص ۱۵۸
ج ۱، ص ۱۶۴، هامش ۲	ج ۱، ص ۱۶۴
ج ۱، ص ۱۷۰، هامش ۳	ج ۱، ص ۱۷۰
ج ۱، ص ۱۷۲، هامش ۴	ج ۱، ص ۱۷۲
ج ۱، ص ۱۷۵، هامش ۵	ج ۱، ص ۱۷۵
ج ۱، ص ۲۷۳، هامش ۱	ج ۱، ص ۲۷۱
ج ۱، ص ۲۸۱، هامش ۱	ج ۱، ص ۲۷۹
ج ۱، ص ۳۰۰، هامش ۲	ج ۱، ص ۲۹۸
ج ۱، ص ۳۱۲، هامش ۳	ج ۱، ص ۳۱۱
ج ۱، ص ۳۷۳، هامش ۳	ج ۱، ص ۳۶۸
ج ۱، ص ۳۹۱، هامش ۱	ج ۱، ص ۳۸۲
ج ۱، ص ۳۹۴، هامش ۶	ج ۱، ص ۳۸۶
ج ۱، ص ۴۰۶، هامش ۱	ج ۱، ص ۳۹۷
ج ۱، ص ۴۲۳، هامش ۱ و ۵	ج ۱، ص ۴۱۵ و ۴۱۶
ج ۱، ص ۴۳۰، هامش ۳	ج ۱، ص ۴۲۳
ج ۱، ص ۴۶۳، هامش ۶	ج ۱، ص ۴۵۳

#### مقدمه‌ای بی‌ربط با اصل کتاب

در چاپ اسماعیلیان روشن نیست به چه جهتی «مرآة الأنوار و مشکوة الأسرار» به صورت مقدمه آن در مجلّدی مستقل به چاپ رسیده است. این کتاب از آثار ابوالحسن بن محمد نباتی فتونی

گاهی مؤلف، حدیثی را تکرار کرده است؛ این تکرارها به مورد نیز نبوده است. محققان «بنیاد» این گونه تکرارهای بی‌مورد را که قطعاً از سهو مؤلف و با استنساخ کنندگان ناشی شده است، حذف کرده‌اند. به مثل حدیثی در تفسیر آیه «وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض کهف/ ۹۹ از علی (ع) نقل شده است که در موردی دیگر نیز آمده و هیچ ارتباطی با آیات ندارد (اسماعیلیان، ج ۲/ ۴۸۷ ح ۳۳، همان/ ۴۹۴ ج ۱). محققان بنیاد جایی را که حدیث غیر مرتبط است، حذف کرده‌اند و آنجا که تفسیر آیه را می‌نمایاند، آورده‌اند (ج ۳/ ۶۸۵ ح ۲). موضع حذف ج ۳/ ۶۷۲ بعد از حدیث ۳۲، چنین است چاپ اعلمی ج ۵/ ۹۴ ح ۲، و موضع حذف ج ۵/ ۷۸ بعد از حدیث ۳۲.

۵. گفتیم محققان «بنیاد» متن «البرهان ...» را با نسخه‌های متعدد و معتمد مقابله کرده‌اند و سپس آن را با چاپ حرفی «البرهان» سنجیده‌اند و آنگاه نقل‌ها را به منابع و مصادر اصلی ارجاع داده‌اند. آنان نسخه‌ای نفیس در اختیار داشته‌اند؛ مشتمل بر احادیثی که نه در نسخه‌های دیگر است و نه در نسخه‌های چاپی. این احادیث در چاپ «بنیاد» آمده است و در چاپ «اعلمی» نیز. لجنة کذایی مؤسسه اعلمی بر اساس چه نسخه‌هایی کتاب را تصحیح کرده‌اند و این احادیث را از منبعی نقل کرده‌اند. بنگرید:

احادیث یادشده در چاپ بنیاد	در چاپ اعلمی
۴/۸۶: ۳	۴/۸۴: ۴
۲۲/۱۸۷: ۳	۲۲/۲۰۳: ۴
۱۰/۵۶۰: ۳	۲/۲۵۳: ۴
۳۰/۶۵۶: ۳	۱۰/۵۹۳: ۴
۱۵/۷۱۰: ۳	۳۰/۵۹: ۵
	۱۵/۱۱۸: ۵

#### پانوشت‌ها و حاشیه‌ها

آنچه تا بدین جا آوردیم چگونگی گزارش متن و ارائه احادیث در تفسیر آیات بود. آوردیم که محققان بنیاد شرح حال اعلام و رجال را به اختصار گزارش کرده‌اند و گاه در توضیح متن، مطالبی آورده‌اند و دیگرگاه واژه‌های دشواریاب را معنا کرده‌اند. چاپ مؤسسه اعلمی نیز چنین کرده است. مقایسه‌ای

(۱۱۳۹) است، که مقدمه‌ای بوده است بر تفسیری تأویلی و بزرگ. در جایی کتاب وی بدین سان معرفی شده است:

ابوالحسن بن محمد نباطی فتونی (م ۱۱۳۹) برای تفسیری تأویلی با نگاهی به روایات تأویلی با عنوان «مرآة الأنوار و مشکوة الأسرار» مقدمه‌ای نگاشته است پس درازدامن و به راستی اثری بزرگ در علوم قرآنی؛ اما با نگاهی ویژه. او کتاب را در سه مقدمه و یک خاتمه که مقدمه اولی مشتمل است به سه مقاله و دوم بر دو مقاله سامان داده است. او در مقدمه اولی از حقیقت تأویل و بطن قرآن سخن گفته و کوشیده است این ادعا را استوار دارد که تمام ظواهر آیات الهی در باطن و با نگاه تأویلی آن اشاره است به امامت و ولایت امامان و پیشوایان حق و معارضان و دشمنان آنان. و در مقدمه سوم نمونه‌هایی از تأویلاتی را گزارش کرده است که به گونه موردی «بطن» و تأویل آیه را، ولایت و امامت دانسته اند، او این دیدگاه را می‌گستراند و فهرستی از واژه‌گان قرآنی را ارائه می‌کند که همه اینها ظاهر و تنزیلی دارد و آن همان است که با دانش لغت و قواعد عربی و سبک شناخت ظاهر قرآن می‌توان بدان دست یافت و باطنی دارد که تأویل آیه است و کلامی و پیامی است به جز این ظاهر، که نیکی‌ها، امامت و ولایت؛ و زشتی‌ها و تباهی‌ها، دشمنان امامت و ولایت‌اند! او در این بخش حدوداً ۱۲۰۰ کلمه را بدین صورت گزارش کرده است. البته چگونگی معنای تأویلی بسیاری از آنها را به تفسیر و انهاده است و تفسیر تا آیه چهارم سوره نساء بیشتر نگاشته نشده است.

این مقدمه که بی‌گمان افراطی‌ترین نگاه تأویلی-باطنی به آیات است و موارد بسیاری از آن ناپذیرفتنی. ابتداء به سال (۱۳۰۳) و با انتسابی نادرست به شیخ عبدالطیف کازرونی به چاپ رسیده است و پس از آن با تحقیق و تصحیح به سال (۱۳۷۵) نشر یافته است که عنوان مقدمه «البرهان فی تفسیر القرآن!» را به خود گرفته است. (بینات شماره ۱۶، ص ۶۰-۶۱)

بدین سان روشن است که این کتاب هیچ ارتباطی با تفسیر «البرهان» ندارد، و محققان بنیاد آن را به درستی با «البرهان ...» همراه نکرده اند. لجنه مؤسسه اعلمی آن را همراه تفسیر کرده و

در صفحه عنوان نوشته اند: «مقدمه تفسیر البرهان» المسماة «بمرآة الأنوار و مشکوة الأسرار» تألیف ... نباطی فتونی. طرفه آنکه تحقیق و تصحیح (بخوانید حرف نگاری) این مجلد یکسر با متن البرهان تفاوت دارد، نه تحقیق دارد، نه مقابله نه تصحیح، نه حاشیه درست و پاورقی مفصل و نه ... چون کسی چنین نکرده بود که حضرات به سرقت برند.

#### اندکی استعداد

گفتیم بزرگواران مؤسسه اعلمی در سرقت نیز بی استعدادند و هوشمندی دزدان فرهنگی را ندارند، و غالباً به «کاه دان» می‌زنند. اکنون با اجازه خوانندگان می‌خواهیم اندکی این سخن را پس بگیریم و از موضع خود برگردیم و مقداری استعدادهای در سرقت برای آنها قائل شویم! چون به هر حال برای رد گم کردن اندکی دگرگونی در چاپ بنیاد روا داشته اند. به مثل قطع رحلی را تبدیل به وزیری کرده اند، که ۵ جلد شده است و هشت جلد. مقدمه عالمانه و دقیق آن را حذف کرده اند. شمارگان مسلسل احادیث را نیاورده اند. در شرح واژه‌های دشواریاب گاهی منابع را عوض کرده اند، و گاه آدرس‌ها را نیاورده و فقط ماده لغت را یاد کرده اند. در فهرست منابع، جای ۲۹۲ منبع به یادکرد ۲۰۶ مصدر بسنده کرده اند (صرفه جویی!!). از یادکرد منابع و مصادری تن زده اند که در حواشی آمده است؛ مانند اعلام الدین دیلمی، المستقصی فی أمثال العرب، الروض المعطار و ...

در همین جهت شیرین کاری جالبی انجام داده اند. می‌دانیم برخی از متون کهن چاپ‌های متعددی دارند. محققان «بنیاد» از چاپ ویژه‌ای بهره برده اند و همان چاپ را در فهرست مصادر کتابشناسی ذکر کرده اند. این بزرگواران در فهرست مصادر، چاپ دیگری از آن کتاب‌ها را یاد کرده اند، اما فراموش کرده اند که در حواشی متن نیز باید جلد و صفحه را تغییر می‌دادند و بر اساس چاپی که یاد کرده اند، ثبت می‌کردند! نمونه را بنگرید:

#### مصدر نقل:

الاحتجاج: ۲۴۳ و ۳۸۶  
تهذیب الأحکام ۲: ۵۴۱/۱۳۹  
التوحید: ۲/۳۰۸

مستدرک آورده اند و شماره مسلسل کتاب را در گزارش آنها یاد نکرده اند، تا جستجوگران را بهره رسانند و از آمیختن به متن کتاب جلوگیری کنند. سارقان، این مستدرکات را برگرفته و در متن کتاب توزیع کرده اند؛ بدون اینکه اشاره ای بکنند. بدین ترتیب این احادیث را بعنوان نگاهشته های مؤلف جازده اند.

یعنی دزدی کرده اند، در امانت خیانت کرده اند و با بازی کردن با میراث، فضاحت علمی مرتکب شده اند. روشن نیست این حضرات، ادب را کجا آموخته اند، و این گونه تجارت مآبی پلشت را کجا کسب کرده اند. آیا تاجران کالا چنین کارهایی را رومی دارند؟ نمونه هایی را بنگرید:

مستدرکات سوره بقره را محققان بنیاد در پایان سوره و درج ۱ از ص ۵۷۷-۵۹۰ قرار داده اند؛ ولی در چاپ اعلمی عیناً همان روایات به ذیل آیات توزیع شده است: درج ۱ ص ۲۶۲ و ص ۲۶۳ الآیه ۸۲، و ص ۳۴۰ الآیه ۱۴۰، و ص ۳۵۹ الآیه ۱۵۴، و ص ۳۶۹-۳۷۰ الآیات ۱۶۰-۱۶۲، و ص ۳۷۸ الآیه ۱۷۲، و ص ۳۸۱ الآیه ۱۷۴، و ص ۳۸۲ الآیه ۱۷۶، و ص ۴۱۷ الآیه ۱۹۰، و ص ۴۴۹ الآیه ۲۰۶؛ و ص ۴۵۷ الآیه ۲۰۹، و ص ۴۶۳ الآیه ۲۱۶، و ص ۴۶۴ الآیه ۲۱۸، و ص ۵۲۶ الآیه ۲۵۲.

مستدرکات آل عمران را درج ۱ ص ۷۳۵-۷۴۰ آورده اند و اعلمی آنها را در ذیل آیات پراکنده است: درج ۲ ص ۱۷ الآیه ۵، و ص ۱۷ الآیه ۲۵، و ص ۲۲ آیه ۳۲، و ص ۳۷ آیه ۴۸، و ص ۴۰ الآیه ۵۳، و ص ۵۵ الآیه ۷۳ و ۷۴، و ص ۸۹ الآیه ۱۰۵، و ص ۱۱۰ الآیه ۱۳۸.

محققان چون این موارد را در چاپ اعلمی بنگرند و آن را با دیگر نسخه ها بسنجند و نیابند، چه خواهند اندیشید؟ سهل انگاری متولیان آن چاپ ها، یا کامل بودن نسخه اعلمی و یا...؟ شایسته است وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی از ورود این چاپ به «نمایشگاه بین المللی» جلوگیری کند و فاضلان در تهیه کتاب فریفته ظاهر چشم نواز کتاب نشوند، و بانیان مؤسسه اعلمی نیز از بازی با میراث دست کشند و بدانند که برای گذران زندگی راه های دیگری نیز وجود دارد. به حتم این گونه کتاب سازی های ظالمانه نه در خور انسان های مسلمان و نه حتی شایسته تجارت است؟

والله من وراء القصد

○

الخصال: ۹۶/۶۵

غیبة النعمانی: ۱۹/۲۶۰

فضائل ابن شاذان: ۱۲۹

الکافی ۳: ۱۸/۴۴۶

معانی الأخبار: ۹/۵۹

الفقیه ۱: ۶۰۳/۱۲۷

البرهان / چاپ اعلمی

البرهان / چاپ بعثت

۷: ۲۹/۳۵۱ و ۳۰/۳۰	۵: ۲۹/۱۹۷ و ۳۰/المرتضی
۷: ۲/۳۰۸ / دار صعب	۵: ۲/۱۵۶ / دارالکتب الإسلامية
۷: ۱/۳۲۰ / الأعلمی	۵: ۱/۱۶۷ / جماعة المدرسين
۷: ۲/۳۸۷ / الأعلمی	۵: ۲/۲۳۳ / جماعة المدرسين
۷: ۸/۳۷۲ / الأعلمی	۵: ۸/۲۱۷ / مكتبة الصدوق
۷: ۱۴/۲۹۹ / الأعلمی	۵: ۱۴/۱۴۵ / المكتبة الحيدرية
۷: ۲/۳۱۱ / دار صعب	۵: ۲/۱۵۹ / المكتبة الإسلامية
۷: ۴/۳۰۳ / الأعلمی	۵: ۴/۱۴۹ / جماعة المدرسين
۷: ۳/۳۲۳ / الأعلمی	۵: ۳/۱۷۰ / دارالکتب الإسلامية

به مثل بر اساس فهرست مصادری که آورده اند «تأویل الآیات» معتمد آنها چاپ «جامعه مدرسین قم» بوده است، اما در حواشی کتاب مثلاً درج ۷/۲۹۱ ح ۳ نشانی آن بدین صورت آمده است: «تأویل الآیات ج ۲/۶۰۹، که عین آن در چاپ بنیاد بدین سان آمده است: ج ۵/۱۳۹ ح ۳. می دانیم که چاپ جامعه مدرسین از تأویل الآیات، یک جلدی است، و نه دو جلدی. با عنایت به این نکات شاید خواننده بگوید بر موضع اول برگردید که اینان همان اندک استعداد را هم ندارند.

خیانتی بزرگ در بازی با میراث

در تفسیر «البرهان» آیتی است که در ذیل آنها روایت تفسیری نیامده است. یعنی مؤلف بزرگوار در تفسیر آن آیات، روایاتی نیافته است. محققان با توجه به این نکته با تتبع در منابع حدیثی شیعی و آثار تفسیری مأثور شیعه و به یمن «معجم الآثار القرآنی» که آن مرکز تدوین کرده و هنوز نشر نیافته است، روایاتی را در تفسیر آن آیات یافته و پس از پایان هر سوره با عنوان

